ومن یتوکل علی الله فهو حسبه
خواص سورهای قرآن مجید
در مطبع مصطفائی محمد مصطفی خان طبع نمود

بسم الله الرحمن الرحیم

در خواص کلام سبحانی — کان فزون ست از حد احصا

گر درختان قلم شوند تمام — ور شود خود مداد دریاها

خلق عالم همه نوشته کنند — نتوانند کرد استقصا

علما جزء آن بیان کردند — از برای عموم خلق خدا

نظم کردم برای آسانی — لیک گفتند شرطها آنرا

اولین شرط آن بود اخلاص — تا دعا را اثر شود پیدا

ور نه هر چند دست برداری — نکند حاجت تو نیست روا

ور بجستی بسورهٔ آهنگ — چند شرط دگر بکن آنرا

اولا روزه تا شود صافی — خاطرت پاک از کدورتها

شرط دیگر طهارتست نماز — بهر حاجت دو رکعت مولی

شرط دیگر فراغت خاطر — پس دعا کن ثنا بغیر ریا

اول و آخرش درود بخوان — هم بدو خواه از رسول خدا

بتضرع تمام عجز بکن — وقت خواندن سخن مکن اصلا

پس دعا کن بحکم اُدعونی — تا کند مستجیب بفضل خدا
هرچه در خاطرت خطور کند — باز بخشد خدا از لطف و عطا
صدق نیت بیار و تحفه بخوان — دست بردار و عاجزی بنما
چون بیابی مراد خود ای دوست — فاتحه خوان مرا ز عفو خدا

در خواص مخصوص اختصاص بسم الله الرحمن الرحیم

هرکه در ابتدای هر کاری — گوید از راه صدق بسم الله
کارش ایزد برآورد آسان — کندش لطف و فضل خود همراه
خیر و نیکی رسد باو زان کار — شر شیطان شود از او کوتاه
هرکرا ورد گشت بسم الله — گردد از سر غیب او آگاه

در خواص سورهٔ فاتحه

خسته گر شد اندر امراض — نپذیرد به هیچ حال دوا
دوستی کو برای صحت او — در عبادت بشبی کند احیا
صبح صادق میان سنت و فرض — کاستجابت قرین بود بدعا
چهل و یکبار از سر اخلاص — گفته اند اهل سوره فاتحه را
خلعت صحتش بپوشاند — حق تعالی ز محض لطف و عطا
ور کسی را کلف فتد بر رو — یا برو دانهاش و بر اعضا
گو باهستگی بخوان و بمال — بزند دست را و دست آنجا
تا نماند ازین مرض آثار — تیره روئی بدل شود بصفا
ور کسی مار و کژدمش بگزد — بر وی این سوره خوان برای شفا
زانکه احمد را رسول خدا — خوانده تریاک اعظم آشنا

در خواص سورة البقر

گر کسی هفت بار البقره — خواند از روی اعتقاد و خضوع

بهر دفع کنند دیو و پری — گرد و آسیب‌شان از و مدفوع

و از برای شفا همین سورت — بنویس و ببند بر مصروع

تا پریشانیش شود زائل — جانش آسوده باشد و مجموع

در خواص سورة آل عمران

آل عمران ادای قرض بخوان — سیزده بار از سر اخلاص

گر تقاضای شدت و هم عوام — کندت حق بفضل خویش خلاص

خواص سورة النساء

هر کرا ترس در نهاد بود — النسا گو بزعفران بنویس

پس بشو و بنوشش تا سه روز — برهی از وساوس ابلیس

بهر هر زن که خواهیش ده بار — شود اندر عفاف چون بلقیس

خاصیت از کلام چون تو زسحر — کان فسانه است و حیله و تلبیس

سورة المائدة کثیرة الفائدة

سورة المائده چل و یکبار — هر که خواند رسد بفائده تا

وقت تشنگی و قحط بفرستد — ابر دائم ز آسمانش آید یا

ور نویسی و شسته گرد و لی — شربت آبی از آن بصدق و صفا

مرد مستسقی ار بیاشامد — تشنگی کم شود و رسد بشفا

ور نهی در میان رخت و قماش — در امان باشد از خسار بها

سورة الانعام

چل و یکبار سورة الانعام — بهر هر حاجتی که برخوانی

حاجتت سر بسر روا گردد — از عنایات و فضل رحمانی

یک شب بخوانی آن بهتر — دائما در رفاهیت مانی
هر مرادی که خاطرت خواهد — یابی ار شرط خواند نفس دانی
همچنین جاه و زیب و فر یابی — که تو هر روز ورد کرده داری
در شبی ورد او گفته باشی — کامل اندر صفات انسانی
گروی از بی هوا و هوس — بگذری زین خیال نفسانی
هر کجا های خاطرت گردد — محو و یابی صفای نورانی
شود ت کار دنیوی اتمام — ایمن از آفت و پریشانی
در بهشت برین شود جایت — از عطیات فیض سبحانی

سورة الاعراف

سوره اعراف راسه بار بصدق — بهر امن از عذاب روز شمار
خواند ایمن شود ز هول و عقاب — وَقِنَا رَبَّنَا عَذَابَ النَّار

سورة الانفال

هفت نوبت کریمه انفال — بهر زندانیان بصدق بخوان
تا ز بند گران خلاص شوند — از عنایات حضرت رحمان

سورة التوبه

هر که حاجت بپادشاه برد — یازده بار توبه سوره بخوان
تا موافق مراد خود یابد — هر چه خواهد ز حضرت سلطان
و گر از میان رخت نهد — مال او را امان دهد رحمان

سورة یونس علیه السلام

بست و یکبار سوره یونس — جهت نصرت شدن ز فضل خدا
هر که خواند باعتقاد تمام — فتح او را شود و سر اعدا

در نویسی ز زعفران و مشک | بر ورق آهوی لطیف اجزا
شوی ایمن ز شر دیو و پری | نرسد با تو هیچ رنج و بلا

سورۂ هود علیه السلام

هر مهمی که پیشت آید زود | سیزده بار اش بخوانی هود
بکفایت رسد بفضل خدا | لیکن اخلاص حاصل مقصود

سورۂ یوسف علیه السلام

سیزده بار سورۂ یوسف | گر بحاجت روی سوی سلطان
تا بیابی بکام خویش مراد | ای برادر بصدق دل بخوان
ور بدیوار خانه بنویسی | یا بجای دگر عزیز زمان
آن سرا فرخ و مبارک شد | بر تو هم بر جمیع فرزندان

سورۂ رعد علیه السلام

کودک ار بیشمار گریه کند | سورۂ رعد بهر او بنویس
پس بیاویزش نمائش دم | تا نگرید دگر زمین انیس

سورۂ ابراهیم علیه السلام

مرد بسته چو سورۂ ابراهیم | سه گرت ز عقیقا و سورۂ بخوان
هم بمشک و گلاب بنویسند | پس بشویند شربت آب از ان
چون خورد مربسته بگشاید | بفضل خدای ذی احسان
در سفر گر بماند این تعویذ | دولت آید و رحمت یزدان
بسلامت رسد بمنزل خویش | با همه قشر باد و با یاران ؛

سورۂ الحجر

وقت بیع و شری چو سورۂ حجر | تو خواند او بیع آن مبارک دان

هر سعادت که هست در عالم	همه مجموع دان درین قرآن

سورة النحل

آنکه از دشمنان کنی تشویش	رو حصاری بساز از قرآن
یکصد و هشت بار سورهٔ نحل	از سر اعتقاد و صدق بخوان
تا بیکبار چون بنات النعش	متفرق شوند و سرگردان
ور نگهداری این کریمه بخویش	دشمنانت شوند در فرمان

سورة بنی اسرائیل علیه السلام

بهر حاجات دینی و عقبی	هفت نوبت کریمهٔ سبحان
از سر اعتقاد و نیت پاک	وز صمیم دلی بصدق بخوان
تا جهات دین و دنیاوی	بمراد دلت شود سامان
کودکی را که بر سخن گفتن	گیرد او را زبان بوقت بیان
مشک با زعفران گرفته نویس	شسته با طفل آن کریمه چنان
تا شود او چو عندلیب فصیح	لیکن اخلاص باید و ایقان

سورة الکهف

سورهٔ کهف هر که برخواند	جمعه تا روز جمعهٔ دیگر
باشد اندر حمایت قرآن	گردد ایمن ز خوف بیم و خطر
واگر کثرت قرض شود	در میان مصاحبان مضطر
وام او را خدای بگزارد	در خلائق شود عزیز و قمر

سورة مریم علیها السلام

مریم ار هفت بار برخوانی	مال یابی و مرتبه بسیار
گرچه یکبار بشنوی سخنی	ماندت در ضمیر بی تکرار

خسته مردی اگر نوشته خورد	بطریقی که گفتمت دو سه بار
بسته گر نور گشاده شود	برادر دشمن برآید کار
برو رحمت ار ببند داند رباغ	آرد از سال پیش بیش شمار
هفت روز ار نوید و بخورد	مستمندی نحیف و بی تیمار
علت و زحمت و جبر احشا	برود از وجود او بسیار
هم ز دیو و پری شوند ایمن	اهل خانه تو از صغار و کبار
جای باشد ترا بخلد برین	در جوار منازل اخیار

سوره طه علیه السلام

بهر تزویج دختران طه	بست و یکبار هر که برخواند
عنقریب از عنایت یزدان	بخت ایشان بکام بگشاید
بر همه دشمنان شوی غالب	داد خود از زمانه بستاند
در بشوئی و آبش آشامی	جور دوران دگر نخسپاند
جاه یابی ز پادشاه جهان	جایگاهت رفیع گرداند

سوره الانبیاء علیهم السلام

گر تو هفتاد و یک کرت خوانی	سورۀ انبیاء ز صدق و یقین
ور نویسی و آبش آشامی	نشوی بعد از آن دگر غمگین
وگر اندوهی آیدت در پیش	سجده کن بر زمین بجان و جبین
و اندر آن سجده چهل بار بخوان	ذکر تسبیح یونس ای حق بین
من شدم از همه ستمکاران	نیست جز تو خدای پاکترین
تا فرج یابی از هموم و غموم	فضل بخشایدت خدا بیقین
لیک در سجده تو سجه را	رفع گردان که گفته اند چنین

سورة الحج

وقت کشتی نشستن از سر صدق
گر بخوانی تراحت ابینک
سورة الحج به نیت بهبود
برساند بکعبه مقصود

سورة المؤمنون المفلحون

کاهلی در نماز جاهلی ست
مومنون مرد کامل ار خواند
کاهلی از طبیعتش برود
ور کسی شرب خمر عادت کرد
بحریر سفید سوره نویس
کز کمال تفضل یزدان
زانکه معراج مومن ست نماز
هشت نوبت از روی صدق و نیاز
با خدا وند ز دل شود همراز
باکباب و رباب شد دمساز
از سر صدق حمایل او ساز
از فجور و فسوق آید باز

سورة نور

سوره نور هفت بار بخوان
ور نویسی و بر کنار فراش
کثرت احتلام کم گردد
تا شوی رستگار از بهتان
از سر اعتقاد بندی آن
گردی ایمن ز وسوسه شیطان

سورة الفرقان

در هلاک تو گر بود شاهی
از برای تغنه ست ظالم
حق تعالی تراهنگهدارد
دشمن ازلی دیانتی نادان
هشت صد بار سوره برخوان
از جفا و بلائی جمله جهان

سورة الشعراء

گر گریزان شود زکس برده
بنویسی و با خود آویزی
هفت نوبت گر ایه شعرا
سر خدمت تراهند برضا

آن کمترینده باز نگریزد | از تو در عمر خویشتن اصلا

سورة النمل

سورة النمل بهر حاجت | هر که یکهفته خواند از هر روز
حق کفایت کند مراد اتش ها | گردد از فضل حق بسی افروز

سورة القصص

سورة القصص هر که ورد کند | عاقبت باشد او ز صدیقان
در قیامت فرشته بر صدقش | شاهد آید در حریم جنان
از قیامات در دباز آیند | گر نویسی برای مملوکان
آب باران بگیر و این سوره | از خلوص عقیده برو خوان
پس باخلاص از برای شفا | خستگان را سزد ز آب جنان

سورة العنکبوت

وقت غم سورۀ تو عنکبوت بخوان | هفت نوبت که تا شوی بی غم
در نویسی به زعفران به مشک | بهر خوشنودی مدار کرم
شربت آب آن چو باز خوری | شوی آسوده دل به بیش و به کم
از بدیها بری شوی بکلی | نرسد با تو از زمانه ستم

سورة الروم

سورة الروم بهر هر دشمن | بیست و یکبار هر که برخواند
هیچ دشمن دگر نبودی کم و بیش | بعد از آن کار زار نتواند
ور نوشته میان شیشه نهد | پس سر شیشه را بجنباند
در هر آنخانه که شیشه نهند | اهل آنرا ز شر برهاند

سورة لقمان علیه السلام

متوکل که در هجوم مرض — نیست محتاج حکمت یونان
چون شکم درد گیر و شب خواند — از سر صدق سورهٔ لقمان

سورة السجده

هفت بار آنکه سورة السجده — از سر اعتقاد بر خواند
یا نویسد بزعفران و بمشک — حرز تعویذ خویش کرده اند
از جذام و تپ و تمام علل — و زلبیات در امان ماند

سورة الاحزاب

هر که از دشمن ست پر تشویش — درد ساز و چو سورهٔ احزاب
تا نگر از سیاس قرآن — دشمنانت شوند جمله خراب

سورة السبا

هفت نوبت سبا بصدق بخوان — ای گرفتار درد و رنج و بلا
تا نه بینی ز جور روز ستم — هم نباشد ز دشمنانت جفا

سورة الفاطر

چونکه حاجت بپادشاه بری — یا بحکام صاحب دیوان
سورة الفاطر از سر اخلاص — زود هفتاد و پنج بار بخوان

سورهٔ یس علیه السلام

حفظ ایمان گر از خدا خواهی — ختم یس بکن چل و یکبار
در نویسی بزعفران و گلاب — در بیاض کثیرة الانوار
پس بشوئی بآب تازه خوری — منکشف گردد ت لبسی اسرار
در دلت نور حق ظهور کنند — گر بدانی مراتب ابرار
حفظ ایمان تو زیاده شود — چون بزرگان دین نیکو کار

بر همه دشمنان شوی غالب / دوستانت کنند عزّ و وقار
ور از آن آب هفت روز خوری / جاه یابی ز هر صغار و کبار
بسته گیها گشاده گیرند / گروهی مرد بسته را یکبار
در ظرفی که باشدش سر تنگ / بنهی این کریمهٔ خیر آثار
پس به بستان بری و ضبط کنی / بوستان را ثمر شود بسیار
تنگ نیارد معجزات کلام / دیو بگریزد و پری ز آن وار

سورة الصافات

سورة الصافات گر خوانی / هفت نوبت به نیت حاجات
حاجت سر بسر روا باشد / نیز حاصل شود بسی برکات

سورة الصاد

مصطفی گفته چشم زخم حق است / نیست کس را درین سخن انکار
هفت نوبت هر آنکه خواند صاد / نکند چشم بد بر آنکس کار

سورة الزمر

جاه و عزت گر از خدا خواهی / بشنو این رمز ای پسر ز پدر
هفت نوبت برای عزت و جاه / از سر اعتقاد خوان تو زمر

سورة الغافر المومن

هر که او را جراحت بسیار / عاجزش سازد و زبون و نزار
از برای شفا بگو مؤمن / بر حریری نویس و با خود دار
وقت درماندگی همین سوره / هر که خواند بصدق دل یکبار
دفع گردد ز فضل حق هر رنج / بمراد دلش شود همه کار

سورة حم سجده

هر که هفتم سجده را صد بار — هر صباح و مسا مقیم کند

گردد از قهر پادشاه بی‌غم — دل سلطان بر او رحیم شود

سورهٔ شوری

هر که از دشمنان بسی ترسد — گر بخواند سه نوبت شوری

ترس آن دشمن از دلش برود — حق کند مهربان چو زن شورا

سورة الزخرف

سه کرت هر که سورهٔ زخرف — خواند از صدق بر مهماتش

حق تعالی برآورد از غیب — همه آمال و جمله حاجاتش

سورة الدخان

هفت نوبت بخوان بصدق و خشوع — تا بیابی ز قاضی الحاجات

هر مهمی که داری اندر دل — اول و آخرش بخوان صلوات

سورة الجاثیه

هر که افتد به ورطهٔ سکرات — سه کرت جاثیه بر او برخوان

تا در آن وقت گوهر ایمانش — باشد ایمن ز غارت شیطان

همچنین واقعست این سوره — سه کرت جهت دفع غمازان

سورة الاحقاف

بهر دفع شرور دیو و پری — گر سه نوبت کریمهٔ احقاف

خوانی این سورهٔ عظیم الشان — باشدت چون حصار از اطراف

ور نویسی به زعفران و گلاب — نوش کن گوش کن سخن بخلاف

نکند سحر ساحران بتو کار — نشوی متهم بکذب و گزاف

سورهٔ محمد علیه السلام

در عیذا سورهٔ محمد را	چل و یکبار خوان و بر خود دم
تا که بر دشمنان ظفر یابی	ایمن آئی ز ترس هم و الم
در نویسی بآب زمزم و مشک	پس بشوئی و در کشی دو سه دم
جاه و رفعت ترا نصیب کند	حق تعالی ز فضل خویش اعم
هرچه گوئی تو بشنوند همه	قول مقبول تو شود محکم
صحبت یار و دولت مونس	دوست بشاد و دشمنت با غم

سورة الفتح

فتح و نصرت اگر از خدا خواهی	سورة الفتح خوان چل و یکبار
تا که هنگامه حرب دشمن را	بگذرانی به تیغ گوهر بار
در نویسی و بر کتف بندی	ایمن آئی ز دشمن مکار

سورة الحجرات

هر کرا علت شکم باشد	هفت نوبت بخواند او حجرات
خلاصش شود ز جمله علل	شود وش لطف حق مدد حیات
ور بدیشان مداومت بکند	مدتی بگذرد یکبار و ثقات
کرده باشد کسی کهی غیبت	گفته باشد اگر کسی سقطات
کرده و گفته اش ببخشد حق	باید از فضل ایزدی درجات

سورة القاف

هشت آدینه هر که سورهٔ قاف خواند	در هر آدینه خواند او شش بار
وقت مردن دهد بآسانی	جان شیرین بحضرت غفار
گور او ای جنان شود روشن	که برد رشک گنبد دوار
خوابگاهش شود بخلد برین	تکیه گاهش بهشت عنبر بار

سورة الذاریات

هرکه والذاریات را خواند ... روز هفتاد و پنج بار تمام
تنگ عیشی برو فراخ شود ... دولتش رام و دستش باکام
ور نویسی برای حامله زن ... که بود بیقرار و بی آرام
درد زادن برو شود آسان ... زود گردد خلاص از آلام

سورة الطور علیه السلام

شب آدینه سورهٔ والطور ... خواند ایمن شود ز رنج جذام
هر دو زندانی از برای خلاص ... گر کند ورد خود بصبح و قیام
مژدهٔ دولت خلاص و نجات ... بخشدش ذو الجلال والاکرام

سورة النجم

بست و یکبار هر که سورهٔ نجم ... از برای برآمدن حاجات
گر بخواهی مراد را یابی ... برهی از ندامت و حسرات
زن زاینده گر شود دشوار ... حال بر وی ز ناخوشی و آفات
بنویسند و بر سرش بندند ... در زمان یابد او خلاص و نجات

سورة القمر

سورهٔ الساعة از سر اخلاص ... گر بخوانی بصدق ای مؤمن
ترس و هیبت ز دل شود زائل ... باشی از قهر یار دشمن ایمن
هر شب جمعه هر که او خواند ... باشدش لطف ایزدی ضامن
برص و اجذام زو شود مدفوع ... تب دروز غمش شود ساکن
هیچ دشمن برو نیابد دست ... باشد ایمن ز دزد و از خائن

سورة الرحمن

در دو چشمت اگر رسد زحمت	ورد خود ساز سورة الرحمن
در بخوانی نویس و با خود دار	تا ببخشایدت خدای جهان

سورة الواقعه

ایکه درمانده گشته و ذلیل	در میان فقر و فاقه درویشی
سورة الواقعه چل و یکبار	ختم کن تا ز فقر نماند نشی
از خواری رساندت دولت	با عزیزان ترا دهد خویشی
تنگی از حال او رود در حال	یابی از فضل حق عطا بیشی
وانکه هر دم مدام بر خواند	برهمه سابقان کند پیشی
بر سر قبر هر که بر خواند	دور گردد عذاب دلریشی

سورة الحدید

هر که هفتاد بار از سر صدق	خواند ای نور چشم سوره حدید
یابد از کار خویش بس فرحت	رونق افزایدش چه بد پدید
ور به بیمار خواند او بشفا	رسدش لطف کردگار مجید

سورة مجادله

گر خصومت شود میان دو قوم	سه کرت سورة مجادله را
خوان بخاک و بریز جانب خصم	تا کشد آتش مقاتله را

سورة الحشر

گر همی ترا شود حیل روز	هر سحرگه بصدق دل یکبار
سورة الحشر را بخوان کاید	هر چه خواهی بکام دل آن کار
لیک گردد فراموشی یکروز	خواندن از سر بگیر دیگر بار
چار رکعت نماز حاجت خوان	اگرت هست حاجت ای دلدار

سوره الحشر خوان بهر برکت — تا مراد دولت دهد غفار
شاد باشی ز دولت و اقبال — بخت یاور ترا سعادت کار

سوره ممتحنه

هر که خواند بعجز ممتحنه — پنج نوبت مدام بی اکراه
خاطر او شود ز وسوسه پاک — دست شیطان از او شود کوتاه

سوره الصف

هر که فرزند ناخلف دارد — که نه بر سیرت سلف گردد
هر چه آید بدستش از کم و بیش — همه در دست او تلف گردد
هفت نوبت چو سوره صف را — خواند آن خوی بر طرف گردد
ولد بی ادب او ادب گیرد — پسر ناخلف او خلف گردد
و گر این سوره ورد خود سازی — واقف سر من عرف گردد

سوره الجمعه

زن و شوهر چون موافقت نکنند — ای برادر بنیت ایشان
از سر صدق سوره جمعه — پنج نوبت بشفقت دخوان

سوره المنافقون

مصطفی صلعم گفت جزم در زنند — در بهشت برین سخن چنان
یکصد و هشت نوبت از سر صدق — ای برادر منافقون برخوان
زانکه این از مجربات بود — جهت دفع شر غمازان

سوره التغابن

هفت نوبت تغابن ای فرزند — از سر اعتقاد و صدق بخوان
تا شود عمر و دولتت افزون — گرددت مال ایمن از دزدان

سورة الطلاق

گر شده گرفت طلاق را خوانی
دلت از تفرقه خلاص شود

مجمع مالی از پریشانی
هم ز تشویش در امان مانی

سورة التحریم

گر تو خواهی که مهربان باشند
و گرت قرض بیشمار شود ها
از کمال یقین و صدق بخوان
تا همه دشمنان شوند ترا دوست
بر شما از وجه مسلطه است ها

دشمنان تو بشنو این تعلیم
دائما باشد از عزیمت بیم
بست و یکبار سورة التحریم
هم شود خاطرت ز وهم سلیم
سر درآرد به ربقهٔ تسلیم

سورة الملک

سورة الملک هر که برخواند
دفع گردد از او بلا و قضا
نعمت و کامرانی و برکت
هر انکه هر شب مدام میخواند
فائز آید به دولت دارین
شود او را عذاب گور هر گز
باشد از نور معرفت آگاه
در معنی بر او گشاده شود
ما سوی الله بیش خاطر او
تا بیابی سعادت ابدی

چل و یکبار اگر بدین عامل
بر وی آسان شود همه مشکل
دهدش فضل حق عطا شامل
باشد او مرد راه حق کامل
بکمالات فضل حق عامل
قبر او روضه جنت منزل
هم ضمیرش منور و هم دل
شود از یاد حق دمی غافل
زود باطل نمایدش باطل
یاد گیر این خواص از عاقل

سورة النون

هر که هفتاد بار سورهٔ نون / خواند ایمن شود ز مرض جنون
حق کفایت کند مهماتش / نشود در کف زمانه زبون
از حوادث زمان شود محفوظ / هم ز چشم زمان بود مامون

سورة الحاقه

سورة الحاقه چو بنویسی / پس بشوئی بآب باز خوری
از زمانه مراد دل یابی / دیگر از جور دور غم نخوری
ور بطفلی دهی که شیر خورد / باشد ایمن ز شر دیو و پری
عقل و ادراک او بیفزاید / غالب آید بقوت ملکی
نخل جانش رسد باوج کمال / کامل اندر فضائل بشری
گر تو هفتاد و پنج بار تمام / باز خوانی رهی ز دربدری
گردد آسان بتو همه کارت / شوی از آفت زمانه بری
ور چکانی دعا حافظه دل / دار در گوشش ور تشنج رگی
صدق پیش آر و این مثل یاد آر / جان من هرچه کاشتی بدری

سورة المعارج

وقت جنگ ار بسر بنیت صلح / دل خود از وساوس انباز
پس بخوان سورة المعارج را / یکصد و شصت بار ز صدق و نیاز
نشود جنگ صلح پیش آید / گردد انجام کار عشرت و ناز
ور شوی محتلم لبی از حد / هشت نوبت بخوان تو دل خوش ساز
باش پاک از وساوس شیطان / گاه قرآن بخوان و گاه نماز
یا دگر این خواص در عمل آر / تا بیابی سعادت و اعزاز

سورة النوح علیه السلام

اگرت دشمنی بود بی دین — که عداوت از و رسد بوضوح
بهر دفعش هزار بار تمام — خوانده باید بصدق سورهٔ نوح
بعد از آن این دعا بخوان دمدم — جانب خانه اش شود مجروح
تا شود مبتلا به رنج و بلا — یا بیاید برو خروج قروح
مع هذا بحال کان جحیم — از سر قهر و کین بسپارد روح
رسد اندر مرگ او جهان را خیر — رسد از مرگ او هزار فتوح

دعا اینست

اَللّٰهُمَّ یَا رَبَّ السَّمَاءِ وَیَا مُجْرِیَ الْمَاءِ وَیَا عَالِمَ الْاَسْرَارِ
وَیَا مُغِیْثَ الضُّعَفَاءِ وَیَا مَلْجَأَ الْفُقَرَاءِ اَللّٰهُمَّ مَنْ کَادَنِیْ
بِسُوْءٍ فَکِیْدُهٗ وَمَنْ اَرَادَلِیَ السُّوْءَ فَارْدُهٗ یَا مُجْرِیَ
الْمَاءِ مِنْ تُخُوْمِ الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ اَمْطِرْ عَلَیْهِمْ غُلُوًّا فَلَا یُبْقِیْ
مِنْهُمْ دَیَّارًا وَلَا تَجْعَلْ لَهُمُ الْاٰثَارًا وَلَا تَذَرْ عَلَی الْاَرْضِ
مِنَ الْکٰفِرِیْنَ دَیَّارًا اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
لَا شَرِیْکَ لَکَ فِیْ جَبَرُوْتِکَ وَاَنْتَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ یَا قَدِیْرُ
یَا قَادِرُ یَا قَاهِرُ یَا قَاهِرُ کَمْ مِنْ عَانِدٍ قَهَرْتَ وَکَمْ مِنْ
ظَالِمٍ اَخَذْتَ وَکَمْ مِنْ مَظْلُوْمٍ نَصَرْتَ وَکَمْ مِنْ عَنِیْدٍ غَلَبْتَ
اَللّٰهُمَّ اکْفِنِیْ شَرَّ هٰذَا الظَّالِمِ الْجَهُوْلِ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ مَا لِیْ
سِوَالَکَ مَهْرَبٌ وَلَا تَزِدِ الظّٰلِمِیْنَ اِلَّا تَبَارًا یَا مَالِکَ الرِّقَابِ
وَیَا شَدِیْدَ الْعِقَابِ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ وَیَا خَیْرَ
النَّاصِرِیْنَ وَیَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِیْنَ اَغِثْنِیْ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ ۵

سورهٔ الجن

اگر اندر خواص سورهٔ جن / گویم ابیات بگذرد ز هزار

هفت نوبت بخوان که دیو و پری / از حوالی تو گشته فرار

ورد سازی مسخرت باشند / در سنین و شهور و لیل و نهار

هر چه خواهی مدد رسد زیشان / هم بیابی مراتب ابرار

لیک شرطش طهارت و تقوی است / الزموا با تلاوت و اذکار

ورنباشی چنین چنان گردد / که نماند ز هستیش آثار

سورهٔ المزمل علیه السلام

هر که خواند مدام مزمل / از سر شوق غالب اوقات

رویت حضرت رسول خدا صلعم / افضل خلق سید السادات

بهتر از رؤیت رسول خدا / در جهان چیست ای کریم صفات

جمله حاجات او روا گردد / حاصل آید مراتب درجات

همه چیز از زیارت نبوی است / سید کائنات را صلوات

سورهٔ المدثر علیه السلام

اینکه در حسرت بهشت میدارد / ورد خود کن بصدق مدثر

تا بیابی ز جامه خانهٔ غیب / جامه‌های مناسب فاخر

سورهٔ قیامت

از حساب قیامت ار ترسی / هر شب جمعه خوان قیامت را

سه کرت تا شوی سبکباری / حاصلت از کمال فضل خدا

برهی از عذاب و تنگی گور / شوی ایمن ز درد و رنج و عنا

سورهٔ الدهر

از کلام خدا طلب حاجت / از سر صدق هر صباح و مسا

وهر هفتاد و پنج بار بخوان — تا بیابی مراد هر دو سرا
چون خبر داده مخبر صادق — سید الانبیا رسول خدا
که دران بس امیدواری هست — بی نوایان و اهل ایمان را
هل اتی کاهل بیت را سند است — معتبر نزد اهل صدق و صفا
روز آدینه هفت بار بخوان — خالی از ریب و عجب و کبر و ریا
هر که خواند مقام خود بیند — در فرادیس جنت المأوا
وانکه هفتاد و پنج بار بصدق — خواند اندر پی نماز و دعا
هر مرادی که در دلش باشد — بخشد او را خدای بی همتا

سورهٔ المرسلات

راست گویان و راستکاران را — دوست دارد خدای عز و جل
سورة المرسلات صد بار — گر تو خوانی ز بی خطا و خلل
ره بری در مقام صدیقان — بگذری از شر دروغ و دغل
بی رضای خدا تو دم نزنی — رستی از ورطهٔ خلاف و جدل
بر همه دشمنان شوی غالب — متزین شوی بعلم و عمل
ور تو تعویذ خویشتن سازی — در امان باشی از جمیع علل

سورهٔ عم

خبری دارم از نبا بشنو — تا بیابی ز واردات خبر
سورهٔ عم بعد از پیشین — ناظره خوان و یا بگو از بر
روشنی دیدگانت افزاید — نور دل بخشد و جلای نظر
شهرودی امام ربانی — در عوارف نوشته نقل دگر
گر بخوانی تو نصر بعد از عم — نی برند از تو رشک شمس و قمر

سورهٔ والنازعات

هرکه والنازعات را خواند
گردد ایمن ز حضرت سلطان
دارد ایمان او سلامت حق

بیست و یکبار ای صفای ضمیر
و از خطاب امیر و قهر وزیر
گردد کار نصیر و حق قدیر

سورهٔ عبس

هرکه هفتاد بار سوره عبس
خواند از صدق تا شود در حشر
فرض شکور و نیز فرض رسد
شب و روز از سیامن قرآن

بصر بینائی قیامت را
دیده اش قابل لقای خدا
گر بخوانند از برای شفا
باز یابند دیده بینا

سورهٔ التکویر

بیست و یکبار سوره تکویر
داورست از بلا نگهدارد

گر بخوانی برای دفع بلا
بخشدت نصر و عون بر اعدا

سورهٔ الانفطار

هرکه هفتاد بار بر خواند
بجهد و درماندگی از وبرود

سورهٔ انفطار بهر شاو
حق تعالی رساندش مراد

سورهٔ تطفیف

کودک ار گریه میکند بسیار
گر بخوانند کم کند گریه
هم پسندیده سیرت و صورت

هفت نوبت برای او تطفیف
از عنایات حق شود تخفیف
گردد اخلاق نیک چهره لطیف

سورهٔ انشقاق

گر زنی از مشقت زادن

درد زهدان برو شود پیدا

هرکه او سورهٔ بلد سه کرت … خواند اندر دخول شهر و بلد
کامرانی کند ز فضل خدا … رسد او را ز اهل مصر مدد
دلش از وسوسه شود فارغ … خاطرش جمع و مطمئن گردد
وانکه این سورهٔ مبارک را … هر شب و روز ورد خویش کند
روز محشر که هر سو هول شود … همچو برق از صراط بگذرد
حمد گویان رود بصد رجحان … حق ز انعام خویشش خورسند

سورة الشمس

هرکه والشمس را بوقت طلوع … خواند از نهایت خشوع و خضوع
هرچه گوید بخلق خاص و عوام … همه مقبول باشدش مسموع
آفتاب سعادتش هر روز … کند از آسمان جاه طلوع
بسلامت بیاد حق باشد … بسعادت در آن جهانش رجوع
قبر او روضهٔ بهشت شود … روشن از هر طرف فروغ شموع

سورة اللیل

هرکه واللیل را بوقت غروب … صد و هشتاد بار بر خواند
مالش از دزد در امان باشد … کس برو جور و ظلم نتواند
ور غمی باشدش زیاده ز حد … که در آن غصه سخت درماند
وقت خفتن ز روی صدق و نیاز … چون شفق رنگ خود بگرداند
سورة الشمس و سورهٔ واللیل … خوانده خود را از غصه برهاند
حق فرح بخشدش بهر حالت … که دگر غم دلش نرنجاند

سورة الضحی

والضحی را برای هر غائب … گر بخواند بصدق دل دو هزار

بسلامت بیاید آن مفقود	شاد و مانی شود باهل و تبار

سورهٔ الم نشرح

سه کرت هر که خواند از سر صدق	وقت پیچ و فشار الم نشرح
بیشک از حیف و غبن باشد دور	مستبدل شود غمش حق بفرح

سورهٔ التین

سورهٔ التین برای هر غائب	خواند از بهر حاضرش و هزار
بسلامت معاودت کند او	بسعادت رفیق و دولت یار

سورهٔ علق

سه کرت سورهٔ علق برخوان	وقت رفتن بآستان ملوک
او بچشم عنایتت بیند	وارهی از فلاکت و صعلوک

سورهٔ القدر

سورهٔ القدر هر که با زور و	گاه و بیگاه در شب و فراز
هر کرا قدر و جاه باید و فر	دولت و کامرانی و اعزاز
عقب هر وضو بقول رسول	سه کرت قدر خوان بصدق و نیاز
و در هنگام خواب بر خواندنی	خاطرت آورد ز وسوسه باز
بیست و یکبار خوان بشوق خدا	قبر خود را چو روضه روشن ساز

سورهٔ البینه

سورهٔ البینه بصدق و نیاز	بیست و یکبار وقت صبح بخوان
تا شود طاعتت همه مقبول	هم بری باشی از همه عصیان
ور کسی راست زحمت برص	یا گرفتار علت یرقان
کو نویسد و بخود نگهدارد	تا بیابد ز هر دو مرض امان

سورة الزلزال

دفع خصمان سورة الزلزال ... گر بخوانی لعبد چار هزار
دشمنانت شوند آواره ... بخداوند واحد القهار
ور نوشته باهل القوه دهند ... بهند واین سوره را شود لقبرا
همچنین گر نویسی وشوئی ... روی خود را باعتدال سه بار
از همه مرضها شوی ایمن ... تا زه گردد رخ تو چون گلنار

سورة العادیات

سه کرت دفع چشم زخم انجان ... هر که والعادیات برخواند
نکند چشم بد برو اثری ... از بلیهای دوران ماند

سورة القارعه

تا بر آید همه مهمات ها ... یکصد و هشت بار قارعه خوان
تو بیابی هر آنچه میخواهی ... بیگمان از کرامت قرآن

سورة التکاثر

سوره تکاثر برای دفع هموم ... سه کرت خوانی ای مداوم
حق نگهدارد ت ز فضل عمیم ... از بلیات خود بحفظ و حریم

سورة العصر

بست و یکبار سوره والعصر ... گر بخوانی تمام بدگویان
متفرق شوند در عالم ... بی نوا و ذلیل سرگردان
ور نوشته بخود نگهدارند ... حکم آن نیز همچنان میدان

سورة الهمزه

هر که ده بار سورة الهمزه نیز ... خواند از صدق بهر درد شکم

حق تعالی شفا دهد اورا ‌ ‌ ‌ همدران لحظه از کمال کرم
ور بلایی نهان کند چیزی ‌ ‌ ‌ که نباشد بران کسی محرم
خواند این سوره بصدق بر آن ‌ ‌ ‌ حق نگهدارد و نگردد کم

سورة الفیل

هر کرا دشمنان نسبی باشند ‌ ‌ ‌ شب جمعه میان شام و عشا
که هزار و دویست و یا پنجاه ‌ ‌ ‌ سورة الفیل هر دو فعلش را
خواند از شر دشمنان برهد ‌ ‌ ‌ شنود آسوده خاطرش ز عنا
پیش ازین گر حقیر بسته بود ‌ ‌ ‌ همچو فیلی شود و بران اعدا
نرسد بروی و بر اتباعش ‌ ‌ ‌ هیچ مکروه زان بلا اصلا
ور بخوانی بصدق بر مصروع ‌ ‌ ‌ دهدش حق ز لطف خویش شفا
در هر رکعتی ز سنت صبح ‌ ‌ ‌ بعد الحمد خوانی ای مولا
ور یکی سورة الم نشرح ‌ ‌ ‌ دیگری فیل بهر دفع بلا
هیچ دشمن بتو نیابد دست ‌ ‌ ‌ باشی ای دوست در امان خدا

سورة القریش

هر که هر روز هفت بار قریش ‌ ‌ ‌ خواند از صدق از بلا برهد
ور طعامش کنند زهر آلود ‌ ‌ ‌ در وی آن زهر سم اثر نکند

سورة الماعون

چل و یکبار سورة الماعون ‌ ‌ ‌ گر بخواند بصدق دل راجی
خویش و فرزند و نیز پیوندش ‌ ‌ ‌ گردد ایمن ز فقر و محتاجی

سورة الکوثر

هر که خواند هزار بار بصدق ‌ ‌ ‌ در همه عمر سورة الکوثر

بیکمان در بهشت نوش کند / شربت کوثر از کف حیدر

سورة الکافرون

حفظ ایمان خویش گر خواهی / سورة الکافرون بصدق بخوان
ای دلا هفت بار هر روزی / حق نگهدارد از خلل ایمان

سورة النصر

سورة النصر بهر دفع بلا / هفت نوبت بصدق خوان هر روز
تا شود فتح و نصرتت یاور / باشی از بخت خویشتن فیروز

سورة تبت یدا

اگرت هست دشمن بی دین / که بقصد تو باشدش نیت
بهر اهلاک دشمنان هر روز / هفت نوبت بصدق خوان تبت

سورة الاخلاص

هر که خواند هزار بار اخلاص / شود از فضل حق ز بند خلاص
وانکه این سوره ورد خود سازد / شود از بندگان خاص الخاص

سورة المعوذتین

هر کس از صدق دل معوذتین / ورد خود ساخت هر صباح و مسا
باشد ایمن ز بیم خوف و خطر / دفع گردد از آن جمیع بلا
نکند سحر و جادوییش کاری / بروی و اهل بیت او ابدا

خاتمه

نظم کردم خواص قرآنی / بهر اهل رشاد و فضل و تقا
گرچه از صد هزار نتوان گفت / شمه‌ای از خواص قرآن را
لیک بر قدر قابلیت خویش / این قدر جمع کردم از هر جا

تاکه نفعی رسد از وی بسی — تا ظمش یاد آورد بدعا
یا الهی ببرکت قرآن — کوست ما را امام و راهنما
بکمالی که یافت ختم رسل — شب اسری ز قرب اوادنی
که گناهان عادل مسکین — محو فرما ز محض لطف و عطا
قلم عفو برگناهش کش — برسانش بجنت المأوا
حاجت جمله را بفضل برآر — بحق و حرمت رسول خدا

تمام شد

تعداد سورتهای کلام الله

سورهای کلام ربانی — یکصد و چارده یقین دانی
اولین فاتحه بقره دیگر — آل عمران و پس نسا بشمر
مائده پیش گیر با انعام — باز اعراف خوان بصدق تمام
بعد او هست سورهٔ انفال — خوان شب و روز ای حمیده خصال
توبه و یونس است و هود عظیم — یوسف و رعد و باز ابراهیم
حجر و نحل و باز اسرائیل — کهف و مریم شنو ز من بی قیل
نیز طه و انبیا دیگر — حج و المؤمنون و نور شمر
سورهٔ فرقان و باز شعرا دان — نمل با قصص و عنکبوت بخوان
روم و لقمان و سجده و احزاب — هم سبا با ملائکه دریاب
نیز یس باز صافات است — صاد و باز زمر در ملاقات است
سوره ص و سجده است باز دگر — نیز حم عسق سشمر
زخرف است و دخان و جاثیه نیز — هم تو احقاف خوان ز روی تمیز
بعد محمد سلام بر سان — فتح و حجرات و باز قاف بدان
ذاریات است و طور و نجم و قمر — نیز رحمن و واقعه بشمر

پس حدید و مجادله بشمار — بعد از آن حشر باشد ای دلدار

سوره ممتحن رسیده بصف — جمعه وارد منافقون در کف

از تغابن طلاق و تحریم است — سوره ملک بر تو تعلیم است

قلم و حاقه و معارج خوان — نوح و پس جن نیز در پس آن

پوشش پیش آر مزمل — نیز مدثر و قیامت دل

دهر و المرسلات و عم بخوان — نازعات است و عبس بعد از آن

کورتاه است و سوره انفطرت — مطففین است و سوره انشقت

هم بروج است و طارق و اعلی — غاشیه و فجر چشم دل بگشا

بلد و شمس و لیل باز ضحی — نشرح و تین بجو لشنن بنما

سوره اقرا و قدر و بینه دان — زلزله نیز بعد از آن برخوان

عادیات است و قارعه بعدا — از تکاثر بعصر لب بگشا

همزه و فیل با قریش قرین — نیز ماعون خوان بصدق و یقین

کوثر و کافرون و نصر و تبت — آخر اخلاص و فلق و ناس ای رب

بعد از تنزیل که نزول آن بوحی ملک الجلیل جبرئیل برسول علیه السلام در مکه مکرمه و مدینه منوره باین ترتیب شده

پس بر احمد فقیر لطف الله — از نزول سور گشته آگاه

اقرا و نون شناس مزمل — باز مدثر است پس نازل

لهب و کورت دگر اعلی — پس از آن سوره لیل و فجر و ضحی

نشرح و عادیات و عصر چون — کوثر است و تکاثر و ماعون

کافرون است و فیل همچو فلق — ناس و اخلاص و نجم و اعمی حق

قدر و شمس و بروج و تین و قریش — قارعه پس قیامت ای سر خویش

بعد ازو مرسلات و قاف و بلد | طارق است و قمر چو صاد رسد
جست اعراف و جن یس یٰس | باز فرقان تا آنکه سبعین
بعد ازو هست مریم و طٰه | پس ازان واقعه کر شعرا
باز نمل و قصص دگر اسرا | یونس و هود و یوسف ز سبا
حجر و انعام صافات شمر | بعد لقمان سبا رسید و نگر
مومن و فصلت دگر شورا | زخرف آنکه دخان و جاثیه را
باز احقاف و ذاریات بدان | غاشیه کهف و نحل و نوح بخوان
پس خلیل انبیا نزب مجید | مومنون سجده طور و ملک رسید
حاقه پس معارج آمد و عم | نازعات انفطار گشت رقم
بعد انشقاق آمد و روم | عنکبوت و مطففین معلوم
کوشش کن بر رسول حق شامل | این سور شد بمکه و نازل
بقره و باز سوره انفال | آل عمران ای خجسته مقال
پس احزاب امتحان و نسا | زلزله پس حدید ای اخفا
پس قتال است رعد و پس رحمن | باز دهر و طلاق و بینه دان
حشر و نصر است نور و حج و برات | چون نفاق و مجادله حجرات
بعد تحریمه بر جناب رسول | جمعه گردست ای عزیز نزول
پس تغابن چو صف و فتح دگر | مائده هم تو در مدینه شمر
شد احمد کمین خجسته کلام | گشت و بیست و چار بیت تمام

سپاس خدا که انطباع در رساله با صفا اعنی خواص سور قرآنی و تصریح تنزیل سور
مکیه و مدنیه در مطبع مصطفائی واقع بیت السلطنت لکهنو محله محمود نگر زیر اکبری دروازه
بتاریخ هفتم ربیع الاول سنه ۱۲۶۵ هجری باهتمام محمد مصطفی خان ولد حاجی
محمد روشن خان مغفور صورت تمامی ظهور گردید

ل ۳۱ خ ۸۴۹۱ ۸۹۱۵۱۴۵